

تحلیل پیشگیری وضعی و اجتماعی در مقابله با جرایم زیست محیطی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

اکرم غلامی

چکیده

نقش محیط زیست امروزه بعنوان یکی از مباحث مهم و اساسی و حق مسلم هر شخصی به شمار می آید. دنیای امروز رویه نظام سلطه در دنیا و استفاده از تکنولوژی پیشرفته در تسخیر عالم طبیعت در سوء استفاده از آن به نفع نظام سلطه و سلطه گران و منافع اقتصادی، نظامی و صنعتی به جایی میرسد که کل جهان را در معرض آسیب و تخریب قرار داده است. در نظام حقوقی ایران نیز که حدود بیش از نیم قرن سابقه محیط زیستی دارد، نقش کنشی سازمان های غیردولتی در خصوص حفاظت از محیط زیست انکارناپذیر است؛ در حالیکه سازمان های غیر دولتی در خصوص مسائلی چون بهداشت، توسعه و محیط زیست بیشتر به مثابه ی همکار دولت ها تلقی می شوند. اما در مرحله ی واکنشی همچنان خلاء های بسیاری وجود دارد؛ که باید بسترهای مناسبی برای مشارکت فعالانه ی این بازیگران در دادخواهی زیست محیطی فراهم شود؛ وارد نمودن مکانیزم های پیشگیری از آلودگی محیط زیست مانند توسعه و ترویج آموزش و اطلاع رسانی، توقف آلاینده های محیط زیست وضع تضمینات کیفری برای آلاینده ها، در قوانین موضوعه کشورها و اسناد بین المللی ضروری به نظر می رسد. با توجه به ضررهای وارده به محیط زیست توسط انسان باید گفت که مهمترین شیوه های پیشگیری زیستی، پیشگیری های وضعی و اجتماعی می باشند که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه های نظارت و کنترل، درصدد کاهش آمار جرم است. راهبردهای این ش وه ها، اولاً خشکاندن ریشه های ارتکاب جرم و بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزه کاران و بخشی دیگر نیز بر حفاظت از بزه دیدگان تمرکز یافته استدر این میان تعداد گستره جرایم زیست محیطی



ناشی از آلاینده‌گی‌ها به مراتب بیشتر از تخریب و انهدام می‌باشد. صرف‌نظر از آنکه مبنای دوگانه مزبور دارای مفاهیم و ویژگی‌های کلی مربوطه به خود می‌باشند، جرایمی که زیرمجموعه آنها قرار دارند نیز به نوبه خود مفاهیم و خصوصیات خود را دارند که در هنگام تجزیه و تحلیل آن جرایم، بایستی به صورت جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرند



بخش اول: مبانی و اصول جرم انگاری جرایم زیست محیطی

محیط زیست در دو مفهوم بکاربرده می شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می شود و تحت عنوان «محیط زیست طبیعی» معرفی شده و دیگری در تعامل با سازوکارهای انسانی است که با عنوان «محیط زیست انسانی» از آن نام برده می شود و هر دو عنوان فوق طیف گسترده ای از موضوعات مختلف راتحت پوشش خود دارد. محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگلها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال هایی را بوجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را بصورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده اند بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، سخن گفته است که در این راستا می توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود. جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می شود. حقوق محیط زیست و منابع طبیعی بواسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تأثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. در حقیقت در حقوق محیط زیست از یکسری نوآوری بدیع سود جسته و به همین سبب خود را عنداللزوم با تکنیک های جدید تطبیق می دهد و قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استاندارد های خاص بیان می گردد. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان کننده کلیه فعالیتها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان می باشد، این نتیجه حاصل می گردد که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمتهای





حقوقی وارد کنندرانیز در برمی گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزئی یا کلی شامل بخشهای متعدد از مقرراتی می شود که یا با ملاک ها و محک های تأسیس و یا با محک های مادی و تعریف محیط زیست تأکید دارند. بی تردید اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست به بهترین شکل آن در اصل پنجاهم قانون اساسی متبلور شده و پیام آور این مهم می باشد که مسایل زیست محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و می بایست کلیه آحاد جامعه علی الخصوص سازمان ها و دستگاه ها هر یک به فرا خور توان و کارائی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط زیست بعنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیر قابل جبران محیط زیست همراه باشد جلوگیری کنند. بررسی سابقه قانون گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن می باشد که اولین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ (قانون شکار) مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴ و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفاً در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که بطور نسبی در خصوص کلیه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ می باشد. در قانون برنامه اول توسعه جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ گردیده، بطوریکه یک در هزار درآمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و گارگاههای کشور به امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه. موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین تکرار گردید.

بطور کلی جرائم زیست محیطی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم بندی می نمایند: الف) جرائم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان شامل کلیه جانداران گیاهی و حیوانی می شود بر طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست پیشگیری و ممانعت از هر آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می شود. همچنین کلیه امور مربوط به جانداران وحشی

و آبریزان آبهای داخلی می باشد و بر طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون تخریب جنگلها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث بر هم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می شود. ب) جرائم ارتكابی نسبت به عناصر بی جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگیهای شیمیایی.

بخش دوم: مفهوم آلودگی محیط زیست

ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۶ خرداد ۱۳۷۳ منظور از آلودگی محیط زیست را تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب به حدی که آن را برای هدفی که برای آن مقرر است، غیر مفید سازد، می داند.

از جمله مصادق بارز محیط زیست می توان به آلودگی هوا اشاره داشت. منشا آلودگی هوا می تواند منابع مختلفی مانند استفاده از سوخت های فسیلی، وسایل نقلیه، فعالیت های صنعتی، به آتش کشیدن زباله ها و فصولات باشد. از جمله مهمترین گازهای آلوده کننده هوا می توان به دی اکسید گوگرد (SO_2) که می تواند منجر به باران های اسیدی شود، اکسیدهای ازت (NO_x)، مونوکسید کربن (CO) و هیدروکربن ها اشاره نمود. مقدمه کنوانسیون دریاها مصوب ۱۹۸۳ در تعریف آلودگی محیط زیست می گوید: «آلودگی محیط زیست یعنی ریختن مواد و انرژی توسط بشر به طور مستقیم یا غیر مستقیم در محیط زیست دریا شامل مصب که منجر یا احتمالاً منجر به صدمه و خسارت به منابع زنده و حیات دریا، زیان به سلامتی بشر، وقفه در فعالیت های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده های مشروع از دریا، لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطبوع بودن آن گردد». استفاده از سد «احتمالاً منجر به صدمه و خسارت شدن» را نوعی تحول در حقوق محیط زیست می توان تلقی نمود. چرا که دولت ها را از پیش به صدمه زدن به منابع زنده و حیات دریا بر حذر می دارد هر چند که آسیب های ناشی از این اقدامات، احتمالی باشد.

بخش سوم: ضرورت ها و مبانی توجه به پاسخ های کیفری در جرایم زیست محیطی





در اینجا ملاک این است که چه ضرورت‌ها و مبانی‌ای را می‌توان برای پاسخ‌های کیفری در رابطه با جرایم زیست محیطی به رسمیت شناخت. «محیط زیست» نیز یکی از موضوعات فنی و تخصصی است که نیازمند تدوین مجموعه‌ای واحد و منسجم است. این شیوه در عمل فواید زیادی به دنبال دارد، زیرا در اثر این اقدام، مجموعه مواد قانونی از انسجام و نظم بیشتری برخوردار می‌گردند و قانونگذار به منظور ارتباط با مواد قانونی، دقت و توجه بیشتری می‌کند. شاید به این مطلب چنین پاسخ داده شود که این موضوع امری شکلی است و چندان اهمیتی ندارد. حال آنکه این موضوع در حقیقت برگرفته از اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. زیرا یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها آن است که مجموعه جرم‌انگاریها و مجازات‌ها به صورت صریح و روشن و شفاف بیان شود. وجود قوانین متعدد و افزایش جرم‌انگاریها باعث سردرگمی تابعان حقوق کیفری می‌شود به گونه‌ای که گاهی قضات که مجری قوانین هستند، از تشخیص ناسخ و یا منسوخ بودن مجموعه مقررات عاجز می‌مانند، چه رسد به شهروندان عادی که موضوعات قوانین کیفری اند. همین موضوع باعث نادیده گرفتن اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌شود. بنابراین جرم‌انگاری در قالب الفاظ و واژه‌های صریح و روشن به شکلی روشن و در قالب قوانین مشخص اعلام گردد تا در عمل مجریان تشکیلات و ابهام نشوند و سلیقه و تبعیض حاکم نگردد. چنین رویه‌ای باعث تسهیل سیاستگذاری در آن موضوع می‌شود، زیرا هنگامی که یک «کد» و یا مجموعه قانون تنظیم می‌شود، معمولاً روح واحدی بر آن حاکم است و قانونگذار یا سیاستگذار اهداف مشخص برای آن در نظر می‌گیرد و بدین لحاظ جرم‌انگاریها و مجازات‌ها با توجه به آن اهداف کلی تنظیم و تنسيق می‌شود. مثله کردن قوانین کیفری در امور محیط زیست باعث پراکندگی سیاستها و برنامه‌ها و عدم هماهنگی لازم میان آنها می‌گردد. با دقت در قوانین کیفری محیط زیست در ایران، می‌توان آشفتگی سیاستهای حاکم بر جرائم و مجازاتهای پیش‌بینی شده را ملاحظه کرد. در نظام کیفری ایران در این خصوص رویه‌ای تلفیقی در پیش گرفته شده است و جرم‌انگاریهای راجع به محیط زیست در قانون مجازات اسلامی و در قوانین پراکنده منعکس شده است.

بخش چهارم: پاسخ‌های کیفری به جرائم زیست محیطی

به منظور وصول به اهداف حقوق کیفری باید پاسخ های کیفری مناسب و مقتضی را طراحی، تدوین و اجرا کرد. بدیهی است چنانچه با دقت لازم ضمانت اجرای کیفری مناسب پیش بینی نگردد، نظام عدالت کیفری در وصول به اهداف خود ناکام باقی می ماند. از دو بعد می توان پاسخ های کیفری را نسبت به جرائم زیست محیطی مورد مطالعه قرار داد؛ از یک سو، باید متناسب با اصول مختلف حقوق کیفری، نحوه انتخاب ضمانت اجرای کیفری متناسب با شدت و وخامت جرائم ارتكابی مناسب را مورد مطالعه و بررسی قرار داد و از سوی دیگر نحوه برخورد و مواجهه قضات با مجازات های پیش بینی شده در قوانین کیفری نیز باید همواره مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. محیط زیست یکی از مقوله های مهم می باشد که اخیراً حقوق کیفری، ضمانت اجرای برای حفظ آن در نظر گرفته است. (آشوری ۱۳۸۲)

حبس یکی از مجازات های متداول نظام کیفری است که از آن فراوان استفاده می شود. در قوانین زیست محیطی در ایران نیز به وفور از آن استفاده شده است. جزای نقدی عبارت است از مبلغی وجه نقد که مجرم به عنوان مجازات مکلف به پرداخت آن است. جزای نقدی یکی از شایع ترین مجازات هایی است که در زمینه جرایم زیست محیطی به صورت مستقل و یا ترکیبی با سایر مجازات ها مورد استفاده قرار گرفته است.

مصادره و ضبط اموال یکی از مجازات های مؤثر در زمینه جرائم زیست محیطی است که زمینه ارتكاب جرایم زیست محیطی را که بیشتر سود و منفعت می باشد از بین می برد. به عنوان مثال در بند ج ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبرزی جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است که شرکت سهامی شیلات ایران می تواند صیادانی که مرتکب جرم و یا جرایم مذکور در آن بند شده اند را به دادگاه معرفی کرد

بخش پنجم: اقتضائات نظام مسئولیت و جبران خسارت محیط زیستی

امروزه مسئولیت ناشی از خسارات محیط زیست اقتضائات خاص خود را می طلبد که بطور خلاصه می توان به چند مورد آن اشاره کرد:



ایجاد مسئولیت تضامنی بین تولید کنندگان و حاملان مواد خطرناک: این مکانیزم می تواند در جبران خسارت زیان دیدگان و ترمیم آسیب های محیط زیست مفید می باشد. چون تضمینات بیشتری برای جبران ضرر وارده، فراهم می آورد.

توجه به اصل پرداخت آلوده ساز: توجه به این اصل به عنوان اصل اولیه در جبران خسارت محیط زیستی، بسیار حائز اهمیت است. طبق بند ۴ ماده ۴ قانون مدیریت پسماند، از جمله موارد پیشنهادی که می بایست در آیین نامه اجرایی قانون مذکور مورد لحاظ قرار گیرد عبارت است از اینکه: مسئولیت تأمین و پرداخت بخشی از هزینه های بازیافت بر عهده ی تولید کنندگان محصولات باشد. چرا که پسماندها ناشی از فعالیت آنان است.

پذیرش نظام مسئولیت مطلق در خسارات محیط زیستی: با پذیرش این نوع مسئولیت صرف احراز رابطه ی سببیت شخص آلاینده مسئول شناخته می شود. و نیاز به احراز عنصر تقصیر نیست. هر چند ممکن است از حد معقول آن کاهش می یابد. در پاسخ باید گفت اصولاً پذیرش مسئولیت مطلق متصدیان این مزیت را به دنبال دارد که در صورت عدم رعایت نکات ایمنی و پیشگیریهای لازم و اصول بنیادین ایمنی تولید، دادگاه ها در تعیین میزان خسارت اغماض کمتری روامی دارند. همانطور که در حقوق داخلی پاره ای از کشورها در صورت ارتکاب تقصیر نابخشودنی یا سنگین سعی بر آن است که هیچ خسارتی غیر قابل جبران باقی نماند.

حمایت از سندیکاهای بیمه ای جهت پوشش دهی ریسک فعالیت های صنعتی جو خطرناک: این نوع حمایت در درجه اول، امکان پرداخت خسارت به قربانیان آلودگی محیط زیست و اعاده وضعیت محیط زیست به حال سابق را فراهم می آورد. برای حمایت از بیمه گران نیز می توان اولاً به تجدید میزان مسئولیت آنان پرداخت. ثانیاً به بیمه گران امکان شرط عدم مسئولیت در صورت تقصیر سنگین یا نابخشودنی بیمه گزاران داد. استفاده از سیستم کانالیزاسیون جهت جبران هر چه بیشتر خسارت، ضروری است.

گسترش تعهد به ایمنی محصولات خطرناک: این نوع تعهد که در برگیرنده ی مراحل مختلف تولید، حمل، توزیع و مصرف می تواند باشد تولید کنندگان را به دقت هر چه بیشتر در تولید محصولات خطرناک مضر به حال محیط زیست وا می دارد. ماده ۱۰۱ قانون انرژی هسته ای لهستان در خصوص مواد هسته ای، ارسال کننده را تا زمان تحویل محمولات خطرناک به مقصد مسئول می شناسد.

گسترش میزان سقف مسئولیت: در کنوانسیون های بین المللی و قوانین پاره ای از کشورها با توجه به نامحدود بودن و دامنه دار بودن خسارات هسته ای، اقدام به تحدید میزان مسئولیت نموده اند. مثلاً این میزان در چین ۳۰ میلیون ریمنی یوآن (۳۶ میلیون دلار امریکا) است و مطابق قانون مسئولیت هسته ای کانادا (۷۵ میلیون دلار) است. بدیهی است افزایش سقف مسئولیت امکان جبران خسارت بیشتری را فراهم می آورد.

گسترش سیستم های جبران خسارت معنوی: در آلودگی های محیط زیست (مخصوصاً از بین رفتن اکوسیستم های بکر و غیرقابل برگشت) و محروم شدن از جاذبه های طبیعی و لذت بردن از آن، خود نوعی خسارت معنوی محسوب می شود. مازوها در ارتباط با جبران خسارت معنوی در حوادث هسته ای معتقدند که: هر چند قانون ۱۹۶۸ فرانسه فقط خساراتی بدنی و مادی را ذکر کرده است. ولی فرض قانون مربوط به جایی است که خسارات معنوی حذف می شود.

ایجاد صندوق های ملی: ایجاد این نوع صندوق ها مخصوصاً جهت پوشش دهی میزان خسارات متجاوز از سقف مسئولیت بسیار می تواند حائز اهمیت باشد. در زمینه خسارات نفتی کنوانسیون بین المللی هسته ای نیز به این موضوع اشاره شده است.

بخش ششم: مفهوم شناسی پیشگیری وضعی و تدابیر آن

بند اول: مفهوم شناسی پیشگیری وضعی از جرم

یکی از شیوه های پیشگیری از جرم پیشگیری وضعی است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان درصدد است از ارتکاب جرم توسط اشخاص جلوگیری





کند. (نجفی ابرند آبادی ۱۳۸۶) پیشگیری وضعی شامل دو دسته تدابیر و اهداف است، دسته اول تدابیری است که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا لاقفل دشوار نمودن آن هستند که در تعریف اول بیشتر مورد توجه واقع شده است، مانند سخت نمودن دسترسی به آماج یا محافظت از بزه دیدگان بالقوه، دسته دوم تدابیری است که با هدف کاستن از جاذبه های مجرمانه و عوامل تحریک کننده محیطی درصدد است تا از تصمیم نهایی مجرم و گذر او از اندیشه به عمل جلوگیری کند. در این زمینه می توان به مثال هایی مانند حجاب و مخفی داشتن زیورآلات زنان، عدم استفاده از درب های شیشه ای نام برد.

بند دوم: مبانی پیشگیری وضعی از جرم

در اینجا به بیان زمینه ها و مبانی پیشگیری وضعی از جرم می پردازیم. اما آنچه لازم به یادآوری است، این نکته می باشد که آنچه در ذیل به عنوان مبانی بیان می گردد

۱- **نظریه انتخاب عقلانی:** برخی از طرفداران نظریه پیشگیری وضعی از جرم، از جمله کلارک و کورنیش آن را مبتنی بر تئوری انتخاب عقلانی دانسته اظهار داشته اند تدابیر این نوع پیشگیری با افزایش خطرات ارتکاب جرم کاهش منافع آن، مرتکب را که فردی دارای قدرت انتخاب، سودجویی و منفعت طلبی است، از ادامه اقدامات خود در جهت تحقق بزه منصرف می نماید

۲- **نظریه فرصت:** این نظریه با ماهیت و میزان جرایم ارتكابی در ارتباط است، تا از طریق تغییر در ساختار فرصت آمار جرایم را کاهش دهد. این نظریه میزان خطر بزه دیدگی را وابسته به انواعی از شیوه ای زندگی و همچنین فعالیت هایی قلمداد می کند که از جمله آنها در معرض بودن، مجاورت، فقدان محافظ های مناسب و ... به عنوان پیش زمینه های ارتكاب جرم مورد توجه قرار می گیرند.

۳- **نظریه کنترل و مهار بزهکاری:** این نظریه در پیشگیری وضعی بر کنترل بیرونی مبتنی است. کنترل بیرونی نوعی کنترل اجتماعی است، برای تنظیم رفتار فرد در جامعه،

اصطلاح نظریه کنترل به دیدگاهی باز می گردد که در مورد کنترل رفتار انسان بحث می کند. (ملک محمدی، ۱۳۸۳)

۴- الگوی بی سازمانی اجتماعی: اصطلاح بی سازمانی یا نابسامانی اجتماعی برای بیان این عقیده است که مناطق خاص وجود دارد که به لحاظ اجتماعی از هم پاشیده و نابسامان است و جمعیت آنها شامل مهاجران، بیکاران، مجرمین و غیره است که محل مناسبی برای نشو و نماي رفتارهای منحرفانه است. تئوری بی سازمانی اجتماعی از آن جهت به عنوان زمینه پیشگیری وضعی جای بحث و بررسی دارد که برخلاف اغلب تئوری ها بر تأثیر نوع مکان به طور خاص و انواع متفاوت روابط همسایگی در ایجاد شرایط جرم و بزهکاری تمرکز دارد. (عباسی، ۱۳۸۳)

اهداف پیشگیری وضعی از جرم: این شیوه دارای دو هدف اساسی و عمده است که در مقام بررسی تکنیک های پیشگیری وضعی از جرم نیز، مبرهن می گردد که عمومیت این تکنیک ها متوجه اهداف دو گانه ذیل است

۱- دشوار یا ناممکن نمودن وقوع جرم: مهمترین هدف پیشگیری وضعی که بیشترین روش ها و راهکارها را به خود اختصاص داده عبارت از دشوار یا ناممکن نمودن وقوع جرم علیرغم وجود قصد و انگیزه مجرمانه است. راهبردهایی که به تغییر وضعیت، فرصت و موقعیت اشاره دارد مانند کنترل ورودی ها و خروجی ها، ایجاد فضای قابل دفاع، جمع آوری ابزار و لوازم ارتکاب جرم مانند اسلحه و غیره، از مواردی است که با هدف ناتوان کردن فاعل از محقق ساختن نیت مجرمانه خود اعمال می شود

۲- جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه مجرمانه: برخی از راهبردها و شیوه های پیشگیری منحصراً با هدف منصرف نمودن مجرمان و جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه ها و وسوسه های مجرمانه بکار گرفته می شوند. بالا بردن خطر شناسایی و دستگیری بزهکار، کاهش جاذبه های وسوسه انگیز و تحریک کننده محیطی، نصب دوربین های مخفی و چشم های الکترونیکی، حفظ حجاب کنترل ماهواره ای اراضی در معرض خطر تصرف، و امثال آنها



از جمله مواردی است که با هدف جلوگیری از پیدایش و تشدید انگیزه مجرمانه و منصرف نمودن مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم صورت می گیرد

بخش هفتم: مفهوم شناسی پیشگیری اجتماعی و تدابیر آن

دومین دسته از تدابیر پیشگیرانه در جرم شناسی، پیشگیری اجتماعی می باشد. این نوع پیشگیری فراتر از تأکید صرف بر موقعیت های ماقبل جنایی است

۱- ماهیت پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی (نجفی، ۱۳۹۱) به راهبردها و تدابیری اطلاق می شود که هدف آنها به طور کلی تغییر در وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی باشد. بدین منظور اقدامات اجتماعی باتمركز بر عوامل خطر و عوامل حمایتی و نیز ساختارهایی که مستعد رشد و توسعه آن می باشد در اولویت قرار می گیرد. به عنوان مثال نهضت تهیه مقدمات سوادآموزی برای همه، دسترسی آسان و کم هزینه به مهدکودکهای با کیفیت، سیاست های کاهش بیکاری، یابرنامهجهای جذب مهاجرین تازه وارد، نوعاً جزء پیشگیری اجتماعی می باشند. این رویکرد، بزهکاری را نتیجه نقص فرایند جامعه پذیری متأثر از آسیب پذیری اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، احساسی یا عاطفی، اقتصادی می داند و بر همین اساس مداخلات آن ناظر به ظرفیت های فردی هر شخص، محیط های پیرامون وی، شرایط زندگی و عناصر ساختاری که وی را احاطه کرده اند می باشد.

۲- ایرادات پیشگیری اجتماعی

در واقع این رویکرد پیشگیری بادیعیه جهانی، ناتوان از توجه به داده ها، شرایط و بافت محلی است. ملاحظات و داده هایی که بنیان مداخلات اجرا تشکیل می دهد. بدین ترتیب اینجدا ده ها از دایره توجه آنها خارج می شود.

این ایراد موجود در برنامه های پیشگیری اجتماعی موجب استقبال از رویکردی شد که هم زمینه مشارکت شهروندان رامهیامی کندوهم واقعیت های موجود را از نزدیک لمس می کند. این رویکرد، پیشگیری اجتماع مدار نام گرفت. علاوه بر ایرادات مربوط به شیوه مداخله پیشگیری اجتماعی، مسأله مهم بعدی مشروعیت حرفه ای کنش گران آن مانند مربیان،

مددکاران، میانجی گران است. در واقع درون مایه فعالیت این دسته شناور بین کنترل و مساعدت است و نه اجتماعی محض. در نهایت اینکه ارزیابی سیاست های پیشگیری اجتماعی به سادگی امکان پذیر نمی باشد، زیرا عملاً جدا کردن یک متغیر خاص و ارزیابی آن آسان نیست. بدین سان در ادامه به رویکرد دیگری از پیشگیری می پردازیم که تا حدودی از پیشگیری اجتماعی الهام گرفته، لیکن صرفاً ناظر به دسته محدودی از جمعیت یعنی اطفال و نوجوانان می باشد.

بخش هشتم: زمینه های اثربخشی در پیشگیری اجتماعی از جرایم زیست محیطی

در این خصوص و به منظور ملموس تر نمودن تدابیر پیشگیرانه ی اجتماعی، به زمینه هایی پرداخته می شود که می توان به موجب آنها، به پیشگیری اجتماعی و تدابیر آن ویژگی عملی و کاربردی داده و بدین شکل، بر اثربخش تر نمودن آن افزود.

۱- ضابطان دادگستری خاص برای کشف و تعقیب جرائم زیست محیطی

ضابطان دادگستری در یک تقسیم بندی کلی براساس جرایمی که تعقیب می کنند و ماهیت وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارند به دو دسته عام و خاص تقسیم می شوند. ضابطان عام صلاحیت کشف و تحقیق در مورد کلیه جرایم دارند مگر مواردی که قانون گذار استثناء کرده باشد و ضابطان خاص مأمورانی هستند که صلاحیت کشف و تحقیق در مورد جرمی ندارند. مگر آنکه قانون گذار آن را مشخص کرده باشد. تقویت رسالت کشف جرم نیز خود به نوعی باعث تقویت آماج و افزایش دشواری ارتکاب جرم در پیشگیری وضعی می گردد و از این طریق به کاهش ارتکاب جرایم زیست محیطی منتهی می گردد. در کنار این امر، تقویت بُعد آموزشی خود نیز در این راستا بسیار می تواند وثر باشد که در ادامه خواهد آمد.

۲- برگزاری دوره های آموزش خاص برای ضابطان و قضات

اگر قوانین مربوط به محیط زیست با دقت و با توجه به اصول و اهداف نظام حقوقی کیفری تهیه و تنظیم شوند، اما متصدیان اجرایی از قبیل ضابطان و قضات به اهداف قوانین مربوط، اعتقاد و باور نداشته باشند، نظام عدالت کیفری در نیل به اهداف خود دچار گسست شده و



عملاً در این حوزه توفیقی بدست نمی آید. چنانچه در بخشهای قبلی بیان شد رو به قضایی کشور در جرائم زیست محیطی بر مسامحه و ارفاق استوار است و یکی از دلایلی که باعث چنین وضعیتی شده است آن است که در اذهان قضات و ضابطان دادگستری، ارزشهای زیست محیطی، چندان مهم و چشمگیر جلوه نمی کند.

۳- مشارکت سازمان های غیر دولتی در جرایم زیست محیطی

امروزه سازمان های غیر دولتی از دو جهت به نظام عدالت کیفری در راستای تحقق اهداف خود کمک می کند. از یک سو، آنان با ایفای وظایف خود در زمینه اعلام و گزارش جرایم، نظام عدالت کیفری را در کشف و تعقیب جرایم کمک می کنند و از سوی دیگر با نقش آفرینی خود در فرآیند کیفری به بزه دیدگان خاص یاری می رسانند. در کنار اقدامات مذکور با حساس سازی افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع رسانی به موقع خود نقش مهمی در حمایت از محیط زیست می توانند ایفاء کنند. هر اندازه بسترهای فرهنگی و اجتماعی لازم در جامعه موجود باشد، نظام عدالت یفری با سرعت و کیفیت بیشتری به اهداف خود نائل می شود.

نتیجه گیری

مهمترین اهداف حقوق محیط زیست در ایران، بستر سازی جهت بالابردن سطح آگاهیهای مردم، فرهنگ سازی جهت بهادادن به محیط زیست و منابع طبیعی و جلب همیاری مردم، تعیین مرز بین وظایف سازمان محیط زیست و اداره منابع طبیعی، برخورد قانونی با آلودگیهای زیست محیطی، وظیفه قانونگذار در تقنین و روز آمد کردن قوانین موثر جهت بهبود شرایط زیست محیطی و انطباق قوانین با اصول بین المللی مربوط به محیط زیست و برخورد جدی قانونی با تخلفات عنوان شده است. امروزه مسائل زیست محیطی از حدود مرزهای سرزمینی فراتر رفته و جنبه جهانی یافته و کشورها ملزم هستند اصول پیشینی شده در بسیار از کنوانسیونها و قراردادهای بین المللی را رعایت کنند و کشور ما نیز به لحاظ شرکت در بسیاری از کنوانسیونها باید قوانین خود را با اصول بین المللی مربوط به حمایت از محیط زیست هماهنگ کند و سیاستگذاری بر اساس تقویت یا ایجاد مکانیسمهای (ملی) (منطقهای) و (بین المللی) و جلب حمایت سازمانهای غیردولتی نماید. این حقیقتی انکارناپذیر است که پیشرفت





تکنولوژی، تخریب محیط زیست را سرعت بخشیده و به صورت درد مشترک جوامع بشری متجلی گردیده لذا تکنیکی شدن حقوق محیط زیست جهت مبارزه با آفات زیست محیطی ملموس است. هرچند قانونگذار با وضع و اصلاح چند ماده قانونی در مقابله با عوامل مخرب و آلوده کننده و تهدیدکننده محیط زیست و منابع ملی و تجدید شونده برآمده اما به لحاظ ناکافی بودن آن و عوامل موثر زنجیره ای دیگر، نه تنها مراد حاصل نشده بلکه هرروز شاهد پیامدهای ناگوار پدیده‌های تخریبی زیست محیطی و نتیجتاً آثار سوء آن در عرصه حیات انسانها و حتی حیوانات هستیم، به گونه‌ای که این روند، جامعه انسانی را به سوی فاجعه سوق می‌دهد. طی بیست سال گذشته فقط از جنگلهای شمال ایران بیش از یک میلیون هکتار کاسته شده و هر سال در حدود ده میلیون متر مکعب خاک بر حجم پشت سدها اضافه شده و از حجم آب می‌کاهد و بهره‌وری نامناسب مراتع را به مناطق بیابانی تبدیل می‌کند در این راستا اعتقاد بر این است که علاوه بر نقصان قانونی، مدیریت‌های نادرست و غیر متعهدانه، سوءاستفاده بعضی نهادها و سازمانها در استفاده از منابع ملی، احداث کارخانه‌ها و تأسیسات آلاینده در جهت توسعه، وجود وزارتخانه‌ها و مراکز متعدد تصمیم‌گیری، عدم اصلاح ساختاری نهادهای متولی محیط زیست، بهداشت و منابع طبیعی نیز در موضوع مبتلا به نقش دارند. لذا در برخورد با قوانین کیفری ملاحظه می‌گردد نقشی برای اشخاص حقوقی در تعیین مجازات در نظر گرفته نشده است و مقررات ماهوی و شکلی در این زمینه علی‌رغم اهمیت بالای آن بسیار کم رنگ است. یکی از معروف‌ترین موضوعات طرح شده در سیاست‌های شهری، «پیشگیری‌های وضعی» است. براین اساس، مجرمان اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی می‌زنند و به دنبال ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌های ارتکاب جرم هستند؛ از این رو، برقراری تدابیری که مانع از وقوع بزه شود می‌تواند کار ساز باشد.

با وجود آثار مثبت و غیرقابل انکار این نظریه، در ارزیابی آن می‌توان گفت پیشگیری وضعی یک قلمرو اجرایی عمومی ندارد و تنها در بعضی جرایم احتمال کارایی دارد. شناسایی جرایم زیست محیطی و پیشگیری از آن نیازمند طرح و بسط سیاست‌های پیشگیرانه است.



دستیابی به چنین هدفی از دو راه به دست می‌آید و راه‌اول بهره‌گیری از تجارب سیستم‌های مدیریتی در سایر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و اجلاس‌های منطقه‌ای و مقدماتی درمورد جرایم زیست محیطی و بهره‌گیری از نکات مفید کیفری همانند جرم شناسی سبز و.. است. ازسوی دیگر جرایم زیست محیطی دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نیاز به بررسی جامعه‌شناسی و جرم‌شناسانه دارد. ازاین‌رو برای پیگیری ریشه‌ها و تلاش در جهت پیشگیری ازآنباید نهادهای موجود اجتماعی و تاریخی کشور را شناخت. رهاورد چنین کوششی می‌تواند ما را در شناخت و طرح سیاست‌های موفق در عرصه جرایم زیست محیطی، بسط فضاهای هوای شهری پاک و آکنده از هر گونه آلودگی مناسب و اصلاح ساختارفعالی یاری رساند. باتوجه به اینکه شهرها بدون توقف درحال رشد هستند باید فکری برای پیشگیری از وقوع جرایم زیست محیطی و کارخانه‌های منبع آلودگی هوا کرد. واینجمله‌ها را برای زندگی شهرنشینان ایمن تر کرد. هر روز یکه می‌گذرد به جمعیت شهرهای جهان افزوده می‌شود که ناتوانی دولت‌ها در تأمین خدمات اولیه ازسویی و جلوگیری از وقوع آسیب‌های جسمی و روحی‌ناشی ازآن، از مهم‌ترین پیامدهای چنین‌رشدی است. از این رو فقر، بیکاری، مسکن نامناسب، آلودگی محیط زیستی، خشونت، جنایت و جرم شایع‌ترین و بیژگی چهره شهرهایی می‌شود که توسعه نامتقارن داشته‌اند.

بنابر مطلب فوق باید گفت که منشأ حقوق زیست محیطی بیش از هرچیز حق فطری انسان در زیستن است که لازمه آن برخورداری از آب و هوا و محیط سالم است. هیچ گونه بهره برداری از منابع طبیعی و حتی اموال خصوصی نباید به این حق فطری تجاوز کند. مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» مصداقی ازاین منافع عمومی حق استفاده از دریا، جنگل، کوه و محیط‌های همانند آن است که متعلق به همگان است. به بیان دیگر هیچ فرد یا گروهی نه تنها برای ایجاد منافع شخصی بلکه حتی برای به کرسی نشاندن حرف حق خود نمی‌تواند به حقوق عمومی تجاوز کند امروزه مسائل زیست محیطی از حدود مرزهای سرزمینی فراتر رفته و جنبه جهانی یافته و کشورها ملزم هستند اصول پیشینی شده در بسیار از کنوانسیونها و قراردادهای



بین‌المللی را رعایت کنند و کشور ما نیز به لحاظ شرکت در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی خود را با اصول بین‌المللی مربوط به حمایت از محیط زیست هماهنگ کند و سیاست‌گذاری بر اساس تقویت یا ایجاد مکانیسم‌های (ملی) (منطقه‌ای) و (بین‌المللی) و جلب حمایت سازمان‌های غیردولتی نماید. این حقیقتی انکارناپذیر است که پیشرفت تکنولوژی، تخریب محیط زیست را سرعت بخشیده و به صورت درد مشترک جوامع بشری متجلی گردیده لذا تکنیکی شدن حقوق محیط زیست جهت مبارزه با آفات زیست محیطی ملموس است. هرچند قانونگذار با وضع و اصلاح چند ماده قانونی در مقابله با عوامل مخرب و آلوده کننده و تهدیدکننده محیط زیست و منابع ملی و تجدید شونده برآمده اما به لحاظ ناکافی بودن آن و عوامل موثر زنجیره ای دیگر، نه تنها مراد حاصل نشده بلکه هرروز شاهد پیامدهای ناگوار پدیده‌های تخریبی زیست محیطی و نتیجتاً آثار سوء آن در عرصه حیات انسانها و حتی حیوانات هستیم، به گونه‌ای که این روند، جامعه انسانی را به سوی فاجعه سوق می‌دهد. طی بیست سال گذشته فقط از جنگلهای شمال ایران بیش از یک میلیون هکتار کاسته شده و هر سال در حدود ده میلیون متر مکعب خاک بر حجم پشت سدها اضافه شده و از حجم آب می‌کاهد و بهره‌وری نامناسب مراتع را به مناطق بیابانی تبدیل می‌کند در این راستا اعتقاد بر این است که علاوه بر نقصان قانونی، مدیریت‌های نادرست و غیر متعهدانه، سوءاستفاده بعضی نهادها و سازمانها در استفاده از منابع ملی، احداث کارخانه‌ها و تأسیسات آلاینده در جهت توسعه، وجود وزارتخانه‌ها و مراکز متعدد تصمیم‌گیری، عدم اصلاح ساختاری نهادهای متولی محیط زیست، بهداشت و منابع طبیعی نیز در موضوع مبتلا به نقش دارند.

لذا در برخورد با قوانین کیفری ملاحظه می‌گردد نقشی برای اشخاص حقوقی در تعیین مجازات در نظر گرفته نشده است و مقررات ماهوی و شکلی در این زمینه علی‌رغم اهمیت بالای آن بسیار کم‌رنگ است.

یکی از معروف‌ترین موضوعات طرح شده در سیاست‌های شهری، «پیشگیری‌های وضعی» است. براین اساس، مجرمان اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی می‌زنند و به دنبال



ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌های ارتکاب جرم هستند؛ از این رو، برقراری تدابیری که مانع از وقوع بزه شود می‌تواند کار ساز باشد.

با وجود آثار مثبت و غیرقابل انکار این نظریه، در ارزیابی آن می‌توان گفت پیشگیری وضعی یک قلمرو اجرایی عمومی ندارد و تنها در بعضی جرایم احتمال کارایی دارد. شناسایی جرایم زیست محیطی و پیشگیری از آن نیازمند طرح و بسط سیاست‌های پیشگیرانه است.

دستیابی به چنین هدفی از دو راه به دست می‌آید و راه‌اول بهره‌گیری از تجارب سیستم‌های مدیریتی در سایر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و اجلاس‌های منطقه‌ای و مقدماتی در مورد جرایم زیست محیطی و بهره‌گیری از نکات مفید کیفری همانند جرم شناسی سبز و... است. از سوی دیگر جرایم زیست محیطی دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نیاز به بررسی جامعه‌شناسی و جرم‌شناسانه دارد. از این‌رو برای پیگیری ریشه‌ها و تلاش در جهت پیشگیری از آن‌باید نهادهای موجود اجتماعی و تاریخی کشور را شناخت. رهاورد چنین کوششی می‌تواند ما را در شناخت و طرح سیاست‌های موفق در عرصه جرایم زیست محیطی، بسط فضاهای هوای شهری پاک و آکنده از هر گونه آلودگی مناسب و اصلاح ساختار فعلی یاری رساند. باتوجه به اینکه شهرها بدون توقف در حال رشد هستند باید فکری برای پیشگیری از وقوع جرایم زیست محیطی و کارخانه‌های منبع آلودگی هوا کرد. و اینجمله‌ها را برای زندگی شهرنشینان ایمن‌تر کرد. هر روز یک‌ه می‌گذرد به جمعیت شهرهای جهان افزوده می‌شود که ناتوانی دولت‌ها در تأمین خدمات اولیه ازسویی و جلوگیری از وقوع آسیب‌های جسمی و روحی‌ناشی از آن، از مهم‌ترین پیامدهای چنین‌رشدی است. از این رو فقر، بیکاری، مسکن نامناسب، آلودگی محیط زیستی، خشونت، جنایت و جرم شایع‌ترین ویژگی‌های چهره شهرهایی می‌شود که توسعه نامتقارن داشته‌اند.

بنابر مطلب فوق باید گفت که منشأ حقوق زیست محیطی بیش از هر چیز حق فطری انسان در زیستن است که لازمه آن برخورداری از آب و هوا و محیط سالم است. هیچ‌گونه بهره‌برداری از منابع طبیعی و حتی اموال خصوصی نباید به این حق فطری تجاوز کند. مطابق اصل

۴۰ قانون اساسی «هیچکس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.» مصداقی از این منافع عمومی حق استفاده از دریا، جنگل، کوه و محیطهای همانند آن است که متعلق به همگان است. به بیان دیگر هیچ فرد یا گروهی نه تنها برای ایجاد منافع شخصی بلکه حتی برای به کرسی نشاندن حرف حق خود نمی تواند به حقوق عمومی تجاوز کند

همانطور که در کشورهای پیشرفته، حقوق محیط زیست جایگاه در خور توجهی یافته است، در عرصه داخلی هم «دامنه آن همچنان رو به گسترش است.» در پاره ای کشورها، قانون به روشنی امکان دادخواهی در زمینه محیط زیست را به انجمن های غیر دولتی داده است. برای مثال در فرانسه به موجب برخی قوانین «به انجمن های رسمی اجازه داده می شود که به عنوان مدعی خصوصی به تعقیب قضایی متوسل شوند: در زمینه شهرسازی،... حفاظت از گیاهان و حیوانات بومی، تخلف از قوانین مربوط به زباله ها، آلودگی آب...» غیر دولتی های ایران می توانند با تحقیق و تألیف به این مبحث عمق بیشتری دهند، و با پیگرد قانونی به شکل گیری رویه قضائی در این زمینه کمک کنند. مطابق ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوقی بشر «هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده اش به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود.» و مطابق ماده ۸ «هر شخصی در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کند حق مراجعه مؤثر به دادگاه های ملی صالح را دارد.» با توجه به شمول این دو ماده به همه و «هر شخص» و با توجه به این که یک شرط اساسی برخورداری از سلامتی و بهداشت، داشتن محیط زیست سالم است، پس می توان گفت که همه اشخاص حقیقی و حقوقی می توانند در خصوص تجاوز به حقوق زیست محیطی خود به دادگاه شکایت برند.

پیشنهادهات

۱- فرهنگ سازی با هدف ایجاد روحیه فردی و جمعی در پاسداشت محیط زیست با توجه به پیشینه دینی و فرهنگی و پیشینی برنامه جهت جلب عزم ملی در حفظ محیط زیست.



۲- قوانین و مقررات کیفری موجود متناسب با مسائل امروز جامعه نمی باشد و لازم است قوانین کیفری در این زمینه بروز رسانی گردد. ۳- ضرورت اتخاذ روش های پیشگیری وضعی در خصوص حفاظت و صیانت از محیط زیست و عرصه های منابع طبیعی با توجه به نتایج موثری که این روشها در برداشته البته به صورت علمی و با مطالعه مباحث در مناطق مختلف، بطوریکه ممکن است یک روش پیشگیری در یک استان موثر و در استان دیگری بلحاظ تفاوت محیط زیست و نوع استفاده مردم از آن اثر بخشی لازم را نداشته باشد.

۴- ضرورت آموزش و پژوهش بیشتر در خصوص موضوع پیشگیری وضعی از جرایم زیست محیطی در مراکز علمی از جمله دانشگاه ها، مراکز پژوهشی و ارائه راهکارهای علمی مبتنی بر جرم شناسی پیشگیرانه و مدرن جهت اثر بخشی بیشتر و تشریک مساعی با دستگاه های متولی حفاظت از محیط زیست.

۵- تبدیل کلیه دستگاه های متولی حفاظت از محیط زیست به عنوان ضابط قضایی در جهت تسریع در گشت زنی و تهیه گزارشات مورد قبول محاکم قضایی به عنوان ضابط در جهت رسیدگی سریع تر به موضوع جرائم ارتكابی.

۶- پس از قانونی شدن رویه های پیشگیری، تأمین منابع مالی و قانونی جهت استقرار روش های ذکر شده ی پیشگیری وضعی در مناطق مختلف کشور اهمیت فراوانی دارد. زیرا این امر باعث تداوم روشهای موفق در جهت حفاظت و حمایت از آماج ارتكاب جرم با ایجاد موانع دشوار کننده و کنترل تسهیل کننده ها خواهد شد.

۷- آشنایی مراکز علمی از جمله دانشگاه خصوصاً دانشکده حقوق با مباحث تجربی و علمی که موجبات پیشگیری از وقوع اینگونه جرائم را فراهم آورده است

۸- بلحاظ آشنایی و شناخت تدابیر حفاظت فیزیکی اعم کنترل ورودی و خروجی ها و علامت دار نمودن اراضی و تبیین تأثیرات آن، نیز تدابیر حفاظت الکترونیکی و ماهواره ای، قانونمند نمودن این روش ها حداقل در قالب بخشنامه ها یا دستورالعمل ها باعث تقویت اثربخش این تدابیر خواهد شد

۹- استفاده از رسانه های جمعی سمعی و بصری بلحاظ نقش موثری که در انجام موضوع پیشگیری وضعی از جرایم زیست محیطی داشته و بکارگیری آن به عنوان روش پیشگیری موثر.

۱۰- توسعه گشت حفاظت از اراضی دستگاه ها و ارتقاء سطح آموزشی پرسنل حفاظت از اراضی.

۱۱- درجرائم زیست محیطی و احکام صادره برای اشخاص حقوقی مستلزم قوانین موثر و قوی در زمینه اجرای احکام کیفری اشخاص حقوقی می باشد که لازم است در قوانین به این موضوع توجه ویژه گردد.



منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیمی. ش. ۱۳۹۰. جرم شناسی پیشگیری. جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۲- ابراهیمی. ش. ۱۳۹۳. در آمدی بر پیشگیری از جرم. چاپ اول، نشر میزان.
- ۳- آشوری. م. ۱۳۸۲. جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین. نشر گرایش.
- ۴- ایرانشاهی. ح. ۱۳۹۰. پیشگیری از جرم و نقش سازمان های مسئول در قوانین ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات جاودانه.
- ۵- قاسمی. ن. ۱۳۸۴. حقوق کیفری محیط زیست، چاپ دوم، تهران: انتشارات جمال الحق.
- ۶- نعمت زاده. ع. ۱۳۸۲. پیشگیری از وقوع جرم نیاز ضروری جامعه. چاپ اول، مجموعه مقالات قوه قضائیه و پیشگیری از وقوع جرم: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- ۷- عباسی، ع ا ؛ رحمانی. ع. ۱۳۸۳. محله ها و روابط همسایگی مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
- ۸- عبداللهی، م. ۱۳۸۶. در حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته های حقوق کیفری زیست محیطی؛ علوم محیطی؛ سال پنجم؛ شماره اول.